

تحلیل مدیریت مشارکتی محلات با تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی

(مطالعه موردی: ناحیه ۱، منطقه ۱۵ شهرداری تهران)

مجید تلخاب* - دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه شیراز

علی سلطانی - دانشیار بخش شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز

محسن خمسه - دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی - علوم تحقیقات تهران

محمد حسین پور - استادیار بخش شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز

تأیید مقاله: ۱۳۹۴/۳/۹

پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۷

چکیده

تحقیق حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی متکی بر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، مدیریت مشارکتی محلات با تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی را در ناحیه یک شهرداری منطقه ۱۵ تهران مطالعه کرده است. سه محله شوش، کیانشهر شمالی و افسریه جنوبی به عنوان محلات نمونه انتخاب و سپس با فرمول نمونه‌گیری کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد شهروندان نسبت به مدیریت مشارکتی محلات گرایش مثبت دارند؛ هر چند میزان این تمایل در بین محلات تحت مطالعه یکسان نیست و در محله شوش بیشتر از دو محله دیگر است. در این راستا نتایج آزمون تحلیل واریانس و توکی این تفاوت را به لحاظ آماری معنادار نشان می‌دهد. علاوه بر این، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد سطح سرمایه اجتماعی در محلات تحت مطالعه مطلوب است. در این زمینه نیز تفاوت معناداری به لحاظ آماری بین محلات وجود دارد و محله شوش از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار است. نتیجه آزمون رگرسیون چندگانه توام نشان می‌دهد بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان تمایل شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات رابطه معنادار آماری وجود دارد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر میزان تمایل شهروندان در مدیریت مشارکتی محلات مؤثرند. پژوهش حاضر نتیجه‌گیری می‌کند با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در محلات شهری، میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات نیز بیشتر می‌شود. همچنین میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های سازنده سرمایه اجتماعی بر گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات یکسان نیست و تأثیرگذاری مؤلفه عضویت در شبکه‌های اجتماعی بیشتر از دیگر مؤلفه‌ها است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، محلات شهری، مدیریت مشارکتی، منطقه ۱۵ شهرداری تهران.

مقدمه

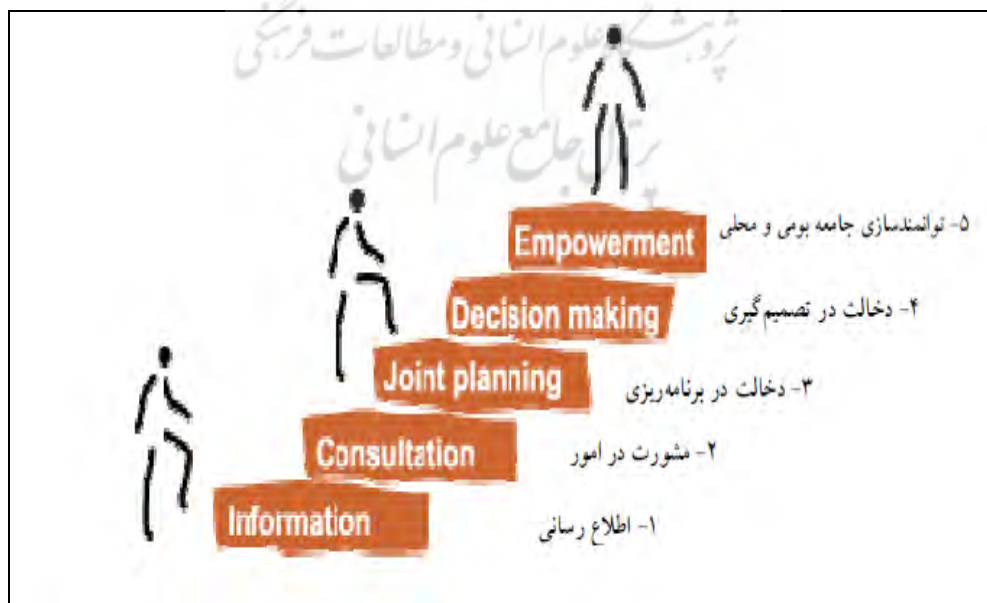
در سالیان اخیر تغییر در بنیان‌های نظری در برنامه‌ریزی باعث شده است که مقوله مشارکت از اهمیت فراوانی برخوردار گردد. بر این اساس، امروزه یکی از ارکان اساسی برنامه‌ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت آگاهانه و فعالانه افراد جامعه در ابعاد مختلف مدیریتی است (موسوی، ۱۳۸۴: ۶۸). رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و پیچیدگی ماهیت مسائل شهری موجب شده که تأکید و توجه مدیران و برنامه‌ریزان بیش از هر زمانی به مقوله مشارکت در سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهروندان معطوف شود (Friedman, 1993: 43). طی دهه‌های اخیر، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دخیل در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در سطح جهان بر ترویج نگرش مشارکتی برای تشویق نوعی رهیافت مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا و توانمندسازی محلات به منظور اقدامات توسعه‌ای تأکید داشته‌اند و تصمیم‌گیری و چاره‌اندیشی در زمینه حل مسائل شهری مبتنی بر مشارکت اجتماعات محله‌ای، با هدف تأمین شرایط لازم برای رفاه شهروندان را مد نظر داشته‌اند (رضازاده و سلسله، ۱۳۹۲: ۸۲). در این راستا رویکردهای نوین مانند مدیریت و برنامه‌ریزی محله‌مبنا و دارایی‌مبنا مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این رویکردها نگاه مدیران و برنامه‌ریزان از پایین به بالا، مبتنی بر توانمندسازی، نگرش دارایی‌مبنا و متکی بر سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و همچنین مشارکت ساکنان محلات است (Madanipour, 2003: 28).

در این زمینه می‌توان گفت در سالیان اخیر در ایران نیز توجه به اجتماعات محلی و برنامه‌ریزی مشارکتی در سطح محلات در مدیریت شهری جایگاه ویژه‌ای یافته است و مشارکت شهروندان در امور شهری به یکی از دغدغه‌های اساسی مدیران شهری مبدل شده و همواره در محافل علمی، سیاسی و اجرایی کشور، مورد تأکید بوده است (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). در اینجا نکته بسیار مهم که باید در همه برنامه‌های مدیریت شهری مورد توجه قرار گیرد این است که بین وارد شدن شهروندان در مشارکتی تشریفاتی و ساختگی با مشارکتی واقعی که بیانگر قدرت تأثیر مردم در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی است، تفاوت وجود دارد (Arnersterins, 2006: 21). مشارکت مؤثر آن مشارکتی است که شهروندان را قادر می‌کند به تصمیم‌ها و نتایج برنامه‌ریزی شکل دهند و در ضمن توانایی‌های اجتماعی و سیاسی خود را ارتقا بخشند (Laurian, 2004: 57). بنابراین، مشارکت واقعی در مدیریت شهری یعنی ارتباط متقابل مردم با مدیریت شهر، به‌صورتی که بتوانند در شهر تأثیرگذار باشند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۶). در هر حال، علی‌رغم شکل‌گیری اندیشه مشارکت در مدیریت شهری و انجام اقداماتی در این راستا، هنوز مشارکت آگاهانه و فراگیر در سطح محلات به‌صورت عملی دیده نمی‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۵۴). در این راستا سنجش میزان مشارکت شهروندان در محلات شهری و ارزیابی عوامل مؤثر بر آن می‌تواند نخستین گام در جهت تحقق مشارکت واقعی، آگاهانه و فراگیر باشد. در این زمینه عوامل مختلفی در مشارکت شهروندان در رویکرد محله‌مبنا دخیل است که به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین این عوامل سرمایه اجتماعی باشد. از این رو پژوهش حاضر در صدد تحلیل مدیریت مشارکتی محلات با تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی در سطح محلات منطقه ۱۵ شهرداری تهران است.

مبانی نظری

مشارکت معادل اصطلاح انگلیسی Participation است. این کلمه از ریشه Part به معنای قسمت، جزء و بخش گرفته شده و از ریشه لاتین Participatia به معنای با خود داشتن، در نفس خود چیزی از غیر داشتن و سهمی در چیزی غیر از خود داشتن اخذ شده است و به معنای سهیم شدن در چیزی یا گرفتن قسمتی از آن است (یزدان‌پناه، ۱۳۸۶: ۱۰۶). در تعاریف علمی، مشارکت عبارت است از فرایند توانایی مستمر و با ثبات بیان و تحلیل مسائل، تنظیم و طرح راه‌حل‌ها، تحرک منابع و به‌کارگیری آنها در همه سطوح مورد نیاز به‌گونه‌ای که افراد بتوانند بر فرایندهایی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد نظارت و کنترل داشته باشند (Peris et al., 2011: 85). همچنین مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. در این تعریف به سه جزء مهم توجه می‌شود:

۱. درگیری ذهنی و عاطفی: در مرتبه نخست، مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده و تنها به کوشش‌های بدنی محدود نمی‌شود.
۲. انگیزش برای یاری دادن: شخص در مشارکت این فرصت را می‌یابد که از قابلیت‌ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف‌های گروهی استفاده کند. از این رو، مشارکت با موافقت فرق دارد. مشارکت چیزی بیش از گرفتن موافقت از یک جمع برای تصمیم‌گیری است.
۳. پذیرش مسئولیت: مشارکت، اشخاص را برمی‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسئولیت بپذیرند. در واقع مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی، سرنوشت و مسئولیت مشترک بدهد (شریف‌زاده و صدقی، ۱۳۸۸: ۵۰).



شکل ۱. سطوح مشارکت در مدیریت جوامع محلی. مأخذ: استعلاجی، ۱۳۹۱: ۲۲۴

توجه به درجه مشارکت جوامع محلی و اتفاق نظر تمام عوامل توسعه از اهمیت ویژه‌ای در عملی کردن مفهوم مشارکت توسط گروه‌های ذی‌حق و ذی‌نفع برخوردار است. درجه مشارکت جوامع محلی معمولاً از مرحله اطلاع‌رسانی تا توانمندی جوامع متغیر است. شکل زیر درجات مختلف مشارکت را نشان می‌دهد (استعلاجی، ۱۳۹۱: ۲۲۴).

امروزه مشارکت مردم در فرایند مدیریت و برنامه شهری در اغلب کشورهای پیشرفته نهادینه شده و حقوق و تکالیف مدیران شهری و شهروندان مشخص شده است. مشارکت در این کشورها از مرحله طراحی برنامه‌ها و الگوهای علمی اجرایی تا ارائه، تأیید و تصویب، اجرا و نظارت ادامه دارد. الگوهای برنامه‌ریزی مشارکتی، اعتماد شهروندان به نتایج را افزایش می‌دهد، میزان دقت، حساسیت و ابعاد آن را روشن می‌گرداند و مشارکت واقعی و هدفمند آنان را تضمین می‌کند. در این فرایند، مشارکت نه تنها هزینه محسوب نمی‌شود، بلکه به ارتقای کیفیت زندگی، آرامش و آسایش شهروندان منجر می‌شود (موسایی و رضوی الهاشم، ۱۳۸۹: ۱۲۴). ضرورت و اهمیت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. مشارکت شهروندان منجر به استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود شهر و نیروهای توانمند شهر می‌گردد.
 ۲. این مسئله موجب افزایش شور و شوق مردم برای فعالیت هر چه بیشتر در امور شهری شده و در نتیجه قدرت سازندگی شهروندان و مدیران شهری را تقویت می‌کند.
 ۳. مشارکت در مدیریت شهر باعث افزایش نوآوری و ابتکار می‌گردد، چرا که مردم به واسطه قرار گرفتن در بطن امور (فرایند زندگی شهری)، خوب می‌دانند چطور خواسته‌های خود را شناسایی کنند، اولویت‌بندی کنند و راه‌حل‌های پیشنهادی را ارائه دهند.
 ۴. به واسطه مشارکت مردم در فرایند مدیریت شهری، مدیران بهتر می‌توانند مسائل و نارسایی‌های موجود در شهر را شناخته و در جهت پاسخ به آن اقدام کنند (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۵).
- همچنین مشارکت به تقویت حس تعلق مکانی و اجتماعی شهروندان به شهر و زندگی شهری، تقویت حس اعتماد و همکاری میان شهروندان و نظام مدیریت شهری و تقویت سازوکارهای دموکراسی شهری از طریق تحقق وظایف و حقوق شهروندی و مدیریت شهری منجر می‌شود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۴۰). در بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر مشارکت، دو رویکرد عمده را می‌توان تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان. در سطح خرد بر انگیزه، گرایش و رفتار مشارکت تأکید می‌شود و در سطح کلان زمینه‌ها و شرایط و عناصر ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد. کنش مشارکتی به دو بخش ذهنی و رفتاری تقسیم می‌شود که بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی را در بر می‌گیرد و بخش رفتاری، انجام فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مد نظر دارد. ماکس وبر بر نظام باورها، گرایش‌ها و تأثیرات آن بر مشارکت متمرکز است. هومنز رفتارها را نتیجه محاسبه سود و زیان تلقی کرده است. رفتار مشارکتی زمانی نهادی می‌شود که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی داشته باشد (موسایی و رضوی الهاشم، ۱۳۸۹: ۱۲۴). همچنین عوامل مختلفی در فرایند مشارکت شهروندان مؤثرند که در تحقیقات مختلف بدان اشاره شده است.

جدول ۱. عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

محقق	یافته‌ها
ربانی و همکاران (۱۳۸۶)	بین مشارکت شهروندان در امور شهری و رفاه اقتصادی و اجتماعی رابطه معنادار خطی برقرار است. هر چه بیشتر مدیران شهری بتوانند اعتماد مردم را جلب کنند و بر میزان رضایت ایشان بیفزایند، در این صورت احساس تعلق اجتماعی آنان را به محله سکونتی‌شان افزایش داده و باعث افزایش مشارکت آنها در امور شهری می‌گردند.
نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸)	همبستگی معنادار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین متغیرهای مستقل (سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده‌نگری، بیگانگی اجتماعی - سیاسی، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی، تقدیرگرایی) با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی - سیاسی) وجود دارد.
شریف‌زاده و صدقی (۱۳۸۸)	سودآور بودن فعالیت مشارکتی، اوقات فراغت، اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر، اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی مدیران شهری بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مؤثر است.
تقوایی و همکاران (۱۳۸۸)	هر چه میزان رضایتمندی افراد از خدمات‌رسانی مدیران شهری و احساس مالکیت بیشتر باشد، به همان میزان تمایل به مشارکت در مدیریت شهری افزایش می‌یابد. همچنین وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان بر مشارکت تعیین‌کننده است، به طوری که با بهتر شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی میزان مشارکت هم بالا می‌رود.
خراسانی و همکاران (۱۳۹۱)	متغیرهای سن، جنس، تحصیلات، شغل، درآمد، احساس تعلق شهری، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، رضایتمندی از عملکرد مسئولان شهری، احقاق حقوق شهروندی و استفاده از رسانه‌های جمعی با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی دارای رابطه معناداری بوده‌اند. در نهایت، از بین متغیرهای مستقل، متغیر درآمد در تغییرات مشارکت بیشتر مؤثر بوده است و به ترتیب، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری و استفاده از رسانه‌های گروهی در مشارکت تأثیرگذار بوده‌اند.
مارشال (۲۰۰۴)	در سوق‌دهی مردم به سوی مشارکت، اعتمادسازی دو طرفه بین مردم و مسئولان نقش اساسی دارد.
ریبوری (۲۰۰۵)	رفاه اجتماعی نظیر تأمین مایحتاج اولیه (تغذیه، پوشاک، مسکن و...)، مناسب بودن منطقه مسکونی و وضعیت فعالیت شهروندان بر میزان مشارکت ایشان تأثیرگذار است.
اسمیت (۲۰۰۶) و لی (۲۰۰۶)	برای افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف، وجود اعتماد نهادی الزامی است.
هاوارد (۲۰۰۷) و ایکستروم (۲۰۰۷)	بین سلامت جسمی و رضایتمندی بهداشتی با مشارکت رابطه معناداری وجود دارد.

منابع: ربانی و همکاران (۱۳۸۶)، نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸)، شریف‌زاده و صدقی (۱۳۸۸)، تقوایی و همکاران (۱۳۸۸)، خراسانی و همکاران

(۱۳۹۱)، مارشال (۲۰۰۴)، ریبوری (۲۰۰۵)، هاوارد (۲۰۰۷) و ایکستروم (۲۰۰۷)

به موازات مقوله مشارکت شهروندی که از دهه ۱۹۶۰ به‌طور جدی مطرح شد، موضوع منافع عامه در دهه ۱۹۷۰ به عنوان بحثی کلیدی در تئوری شهرسازی همه‌گیر شد. همچنین انتقاد به دیدگاه علمی و اثبات‌گرایانه (رهیافت پوزیتیویستی) در شهرسازی در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد و به دنبال آن، تأکید بر جنبه‌های انسان‌گرایانه و زمینه‌های اجتماعی در تئوری شهرسازی، همه به عنوان عناصر اصلی در پارادایم جدید برنامه‌ریزی شهری هم‌زمان مورد توجه قرار گرفت. برنامه‌ریزی توسعه محله‌مبنا بر اساس این تحولات نظری و تغییر نگرش‌ها و رویکردها به مقوله برنامه‌ریزی شهری به عنوان رهیافتی مناسب و کارآمد در حل مسائل و مشکلات شهری مورد توجه قرار گرفت (رضازاده و سلسله، ۱۳۹۲: ۸۳). مدیریت محله‌مبنا بر اساس رویکرد دارایی‌مبنا، برای توسعه اجتماع محلی در برابر رویکرد نیازمبنا قرار دارد. در رویکرد دارایی‌مبنا همه امکانات اجتماع محلی پایه توسعه شمرده می‌شود، ولی در رویکرد نیازمبنا، نیازهای اجتماع محلی پایه توسعه قرار می‌گیرد. رویکرد دارایی‌مبنا، جایگزین مناسبی برای نگرش نیازمبنا در مدیریت و توسعه اجتماع محلی است. هر اجتماع محلی دارای نیازها، کمبودها و مسائلی است، در عین حال که دارایی‌ها و توانایی‌هایی را نیز واجد است. رویکرد دارایی‌مبنا، سه ویژگی دارد: ۱. بر ظرفیت‌سازی تأکید دارد و لذا فرایندگرا است؛ ۲. به سبب بسیج کردن همه امکانات اجتماعی و کالبدی اجتماع محلی، جامع‌نگر است؛ ۳. در دیدگاه دارایی‌مبنا سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی، عوامل شتاب‌دهنده برای ظرفیت‌سازی محسوب می‌شوند و از این رو، ابزاری برای دیگر اهداف به‌شمار می‌روند (همان، ۸۷).

برنامه‌ریزی محله‌مبنا در پی شناخت سرشت ویژه و خاص هر محله و ناحیه شهری است که توسط فرضیات قراردادی کلان و شهر مقیاس متوقف، پنهان، یا به‌راحتی فراموش شده است. برنامه‌ریزی توسعه محله‌مبنا مبتنی بر نقش مشارکتی مردم و اجتماعات محلی است و مشخصه‌هایی چون مشارکتی بودن، رویکرد فرایندی به برنامه‌ریزی، افزایش کنترل مردم بر معیشت و زندگی روزمره و ارائه طرح‌ها و برنامه‌هایی با ارتباط و وابستگی بیشتر به نیازها و شرایط محلی اجتماعات را به همراه دارد. به‌کارگیری برنامه‌ریزی توسعه محله‌مبنا بیش از هر چیز نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنان در یک اجتماع محله‌ای و تقویت بسترها و زمینه‌های هویت‌ساز محله‌ای است. نهادهای محلی، سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های داوطلب محلی عناصر کلیدی این نوع نگرش‌اند. این رویکرد هماهنگی بیشتری با زمان و فضا در مقیاس محلی دارد. تمرکززدایی و واگذاری امور به سطوح محلی و خرد و حرکت به سمت یک نظام خودگردان برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای از دیگر مشخصه‌های عمده در رویکرد برنامه‌ریزی محله‌مبنا است (حاجی‌پور، ۱۳۸۵: ۳۹). در سطح محلات، مشارکت به سه صورت مشارکت شهروندان، در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری امور محله، مشارکت در حفظ و نگهداری محله و مشارکت در ارتقا و توسعه کمی و کیفی فضاهای عمومی شهری قابل تقسیم‌بندی است. در گسترش ایده مشارکت در مدیریت شهری عوامل بسیاری از جمله پیدایش نظام‌های مردم‌سالار و اهمیت یافتن نقش مردم در اداره امور، درس گرفتن از روندهای توسعه شهری در دهه‌های گذشته، عدم تطابق طرح‌های شهری با نیازها و خواسته‌های مردم، توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تضمین منافع شهروندان، پیچیدگی فزاینده زندگی شهری و اخلاق اجتماعی برنامه‌ریزی و... نقش داشته است (UNVHS, 1996). مشارکت شهروندان در مدیریت محلات شهری را می‌توان نگرشی پراگماتیسی و واقع‌بینانه در برخورد با نارسایی‌های ناشی از برنامه‌های بالا به پایین تلقی کرد (UNHSP, 2009: 65)؛ به‌ویژه در جوامعی که تعداد افراد آسیب‌پذیر آنها زیاد است، مشارکت در امور شهری باعث افزایش عزت نفس، افزایش تعاملات اجتماعی و افزایش تجربه و مهارت مشارکت‌کنندگان می‌گردد (Saunders, Brown and Eardely, 2003). در

این زمینه تأکید می‌گردد که شهرها می‌توانند ساخت اجتماعی و اقتصادی خود را توسعه دهند، مشروط بر آنکه یافته‌ها و اصول علمی را با تجارب و دانش بومی مشارکت‌کنندگان ترکیب کنند (Rasoolimanesh and et al., 2011: 62).

یکی از عواملی که در مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت محلات شهری نقش دارد، سرمایه اجتماعی است. شواهد نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی پیوستگی اجتماعی برای دستیابی به اهداف اقتصادی و توسعه پایدار ضروری است (world bank, 2009). اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی برای توسعه محله‌ای تا جایی است که صاحب‌نظران، توسعه محله‌ای را بدون سرمایه اجتماعی غیرممکن می‌دانند. در ادبیات توسعه، سرمایه اجتماعی مفهومی عمومی است به منظور تفکر درباره اینکه چگونه روابط اجتماعی درون جامعه می‌تواند قابلیت جامعه را برای تحرک منابع و انسجام ساکنان به وجود آورد (Blanco and Campbell, 2006: 167). جیکوبز معتقد است: شبکه‌های اجتماعی فشرده و منابع ذخیره‌شده در ارتباط میان مردم کلیدی برای ایجاد و حفظ مکان‌های حیاتی و مطلوب برای زندگی است (Ulriksen, 2008: 6). پاتنام معتقد بود که کیفیت زندگی عمومی و عملکرد نهادهای اجتماعی به شدت تحت تأثیر هنجارها، اعتماد و شبکه‌های مشارکت مدنی و اجتماعی‌اند (Manning, 2010: 256). سرمایه اجتماعی در سطوح مختلفی از جمله در سطح خانواده، اجتماعات محلی و در سطح اجتماعات منطقه‌ای و ملی مشاهده می‌گردد (Brunie, 2009: 252) نکته‌ای که در رابطه با سرمایه اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد آن است که سرمایه اجتماعی یک ساختار اجتماعی است و نباید آن را به یک ساختار روان‌شناختی تقلیل داد؛ یعنی سرمایه اجتماعی قابل تقلیل در سطح فردی نیست (Furstenberg, 1998: 296). سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی دارد. در جدول ۲ به مهم‌ترین آنها که از طرف پیشگامان مطالعه در این حوزه ارائه شده است، اشاره می‌گردد:

جدول ۲. تعاریف صاحب‌نظران در زمینه مفهوم سرمایه اجتماعی

صاحب‌نظر	تعریف
فوکویاما (۱۹۹۹)	سرمایه اجتماعی شکل و نمونه‌ای ملموس از یک هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند نفر می‌شود.
وینتر (۲۰۰۰)	سرمایه اجتماعی را به طور خلاصه می‌توان اعتماد هنجارها و شبکه‌هایی دانست که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی را به منظور کسب سود متقابل فراهم می‌آورد.
دورلوف و همکاران (۲۰۰۴)	سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های ذیل در یک سیستم اجتماعی دانست: اعتماد متقابل؛ تعامل اجتماعی متقابل؛ گروه‌های اجتماعی؛ احساس هویت جمعی و گروهی؛ احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی.
فرانک (۲۰۰۵)	مفهوم سرمایه اجتماعی اغلب به همراه مشارکت مدنی و موازی با شبکه‌های همکاری و یکپارچگی است؛ اما مفاهیم دیگری همراه سرمایه اجتماعی‌اند که عبارتند از: انسجام، اعتماد، معامله به مثل و کارایی نهادی.
ساباتینی (۲۰۰۸)	سرمایه اجتماعی که عبارت از شبکه‌های روابط اجتماعی و ارزش‌های مشترک مندرج در آن است، ممکن است نقش دوگانه ایجاد کند؛ از یک سو منجر به پیوند افراد و گروه‌ها می‌شود و هزینه مبادلات را کاهش می‌دهد، اطلاعات شفاف را در اختیار افراد قرار می‌دهد، و از سوی دیگر باعث تعقیب اهداف خاص و جزئی گروه می‌شود که برای توسعه مفید نیست.

منابع: فوکویاما (۱۹۹۹)، وینتر (۲۰۰۰)، دورلوف و همکاران (۲۰۰۴)، فرانک (۲۰۰۵)، ساباتینی (۲۰۰۸)

با توجه به تعاریف ذکر شده می‌توان عناصر اصلی و وجوه اساسی مفهوم سرمایه اجتماعی را در مؤلفه‌های زیر خلاصه کرد:

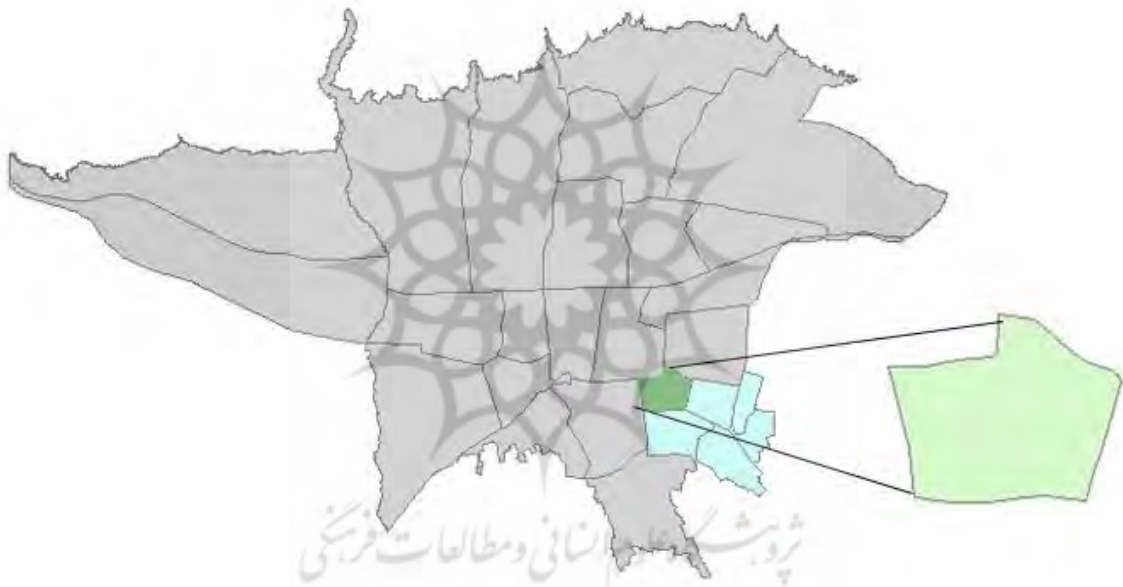
۱. شبکه‌های اجتماعی: شبکه‌های اجتماعی به مثابه قالب‌هایی‌اند که کنش جمعی در آنها تبلور می‌یابد و همان‌طور که بسیاری از صاحب‌نظران بیان کرده‌اند، شبکه‌ها شرط لازم برای تشکیل سرمایه اجتماعی‌اند (پورتس، ۱۳۸۴: ۲۱۲).
۲. اعتماد اجتماعی: اعتماد وضعیتی است که در آن افراد انتظار دارند دیگران چیزهایی را که اظهار یا تعهد کرده‌اند، انجام دهند و هر چه قدر این اطمینان ما به دیگران بیشتر باشد، سطح اعتماد بالاتر می‌رود که بی‌شک یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌رود (Chima, 2003: 5).
۳. هنجارهای اجتماعی: هنجار قواعد رفتاری است که رفتار مناسب در محدوده معینی از زمینه‌های اجتماعی را مشخص می‌کند (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۷۰).
۴. هم‌بستگی و انسجام اجتماعی: هم‌بستگی و انسجام اجتماعی یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد که حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی و تراکمی از وجود تعامل در میان افراد آن جامعه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۸۷).

روش‌شناسی و معرفی محدوده تحت مطالعه

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از حیث روش، توصیفی و تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده است. در بخش مطالعات میدانی، اطلاعات با ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. این پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت و در دو بخش طراحی شد که بخش اول مربوط به سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت محلات و بخش دوم مربوط به سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت محلات است. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب به‌دست‌آمده برای بخش اول پرسش‌نامه ۰/۸۴۴ و برای بخش دوم آن ۰/۷۳۵ است که نشان‌دهنده پایایی بالای پرسش‌نامه است. همچنین برای سنجش روایی آن با استفاده از روش منطقی، هر دو بخش به لحاظ ظاهری و محتوایی به تأیید جمعی از کارشناسان و خبرگان رسید و سپس با استفاده از ضریب KMO روایی هر دو بخش پرسش‌نامه آزمون شد. در این راستا ضریب به‌دست‌آمده در بخش اول پرسش‌نامه ۰/۷۶۵ و در بخش دوم ۰/۷۱ است که گویای روایی مناسب آن است.

محدوده تحت مطالعه در این تحقیق محلات واقع در منطقه ۱۵ شهرداری تهران است. منطقه ۱۵ شهرداری تهران در جنوب شرق تهران واقع شده است. این منطقه از شمال به پادگان قصر فیروزه، ۴۵ متری آهنگ، خیابان خاوران و شوش شرقی و از غرب به خیابان فداییان اسلام و از جنوب به خیابان دولت‌آباد، کوه بی‌بی شهربانو و کارخانه سیمان و از شرق به کوه‌های شرقی تهران و حد شرقی اراضی افسریه منتهی می‌شود. منطقه ۱۵ دارای ۸ ناحیه است که ۶ ناحیه در محدوده قانونی شهر تهران و ۲ ناحیه (۷ و ۸) در حریم استحقاقی شهر قرار دارند. در مجموع، این منطقه دارای ۱۹ محله

است. جمعیت آن بر اساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۹۰، ۶۸۴۴۷۵ نفر بوده است. بنابراین با توجه به وسعت منطقه و تعدد نواحی و محلات در آن با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای سیستماتیک ابتدا نواحی یک، سه و پنج به عنوان نواحی نمونه انتخاب شد و سپس در هر یک از این نواحی، یک محله به صورت تصادفی انتخاب گردید. بدین ترتیب که در ناحیه ۱ محله شوش، در ناحیه ۳ محله کیانشهر شمالی و در ناحیه ۵ محله افسریه جنوبی به عنوان محلات نمونه برگزیده شدند. از آنجا که جمعیت این محلات در مجموع ۹۷۹۹۹ نفر^۱ است، با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد که بر این اساس متناسب با سهم هر محله نمونه‌هایی از افراد بالای ۱۵ سال انتخاب و تکمیل گردید. بدین ترتیب، در محله شوش ۱۰۹ نفر، در محله کیانشهر شمالی ۱۰۲ نفر و در محله افسریه جنوبی ۱۷۳ نفر انتخاب و پرسش‌نامه‌ها تکمیل شد.



شکل ۲. موقعیت محدوده تحت مطالعه (منطقه ۱۵ شهرداری تهران)

مأخذ: شهرداری منطقه ۱۵

یافته‌های تحقیق

در این قسمت مشخصات عمومی پاسخ‌دهندگان تجزیه و تحلیل شده و نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است.

۱. جمعیت محله شوش ۲۷۷۸۱ نفر، جمعیت محله کیانشهر شمالی ۲۶۱۵۶ نفر و جمعیت محله افسریه جنوبی ۴۴۰۶۲ نفر است.

جدول ۳. توزیع فراوانی مشخصات عمومی پاسخ‌دهندگان

جنس	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق	درصد فراوانی تجمعی
مرد	۲۱۶	۵۶/۲۵	۵۶/۲۵
زن	۱۶۸	۴۳/۷۵	۱۰۰
جمع کل	۳۷۴	۱۰۰	۱۰۰
وضعیت تأهل	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق	درصد فراوانی تجمعی
مجرد	۹۵	۲۴/۷۴	۲۴/۷۴
متأهل	۲۸۹	۷۵/۲۶	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	۱۰۰
گروه سنی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق	درصد تجمعی
جوانان (۱۸-۳۴)	۱۷۱	۴۴/۵۳	۴۴/۵۳
میانسالان (۳۵-۵۹)	۱۵۴	۴۰/۱	۸۴/۴۶
کهنسالان (۶۰ و بالاتر)	۵۹	۱۵/۳۶	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	۱۰۰
تحصیلات	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق	درصد تجمعی
بی‌سواد	۲۱	۵/۴۷	۵/۴۷
زیردیپلم	۱۳۴	۳۴/۹	۴۰/۳۶
دیپلم	۱۰۷	۲۷/۸۶	۶۸/۲۹
فوق‌دیپلم و لیسانس	۸۹	۲۳/۱۸	۹۱/۴۱
فوق‌لیسانس و بالاتر	۳۳	۸/۵۹	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	۱۰۰
وضعیت فعالیت	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق	درصد فراوانی تجمعی
شاغل	۱۵۵	۴۰/۳۶	۴۰/۳۶
بیکار	۴۴	۱۱/۴۶	۵۱/۸۳
محصل	۷۷	۲۰/۰۵	۷۱/۸۵
خانه‌دار	۶۷	۱۷/۴۵	۸۹/۳۲
درآمد بدون کار	۴۱	۱۰/۶۸	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	۱۰۰
مدت سکونت	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق	درصد فراوانی تجمعی
پنج سال و کمتر	۶۷	۱۷/۴۵	۱۷/۴۵
پنج تا ده سال	۱۰۹	۲۸/۳۹	۴۵/۸۳
ده تا بیست سال	۱۳۵	۳۵/۱۶	۸۰/۹۹
بیش از بیست سال	۷۳	۱۹/۰۱	۱۰۰
جمع	۳۸۴	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

سنجش میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات

برای سنجش میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی در سطح محله سکونت خود، ۱۰ گویه در قالب طیف لیکرت به پرسش گذاشته شد. نتایج نشان می‌دهد که مجموع امتیازات در هر سه محله ۳/۱۱ است، بنابراین از آنجا که امتیاز به دست آمده از حد متوسط ($X=3$) است، می‌توان نتیجه گرفت که شهروندان در مجموع با گویه‌های تحت سنجش موافق‌اند و گرایش مثبت به مشارکت در محلات دارند. همچنین مقایسه محله تحت مطالعه نشان می‌دهد که تمایل به مشارکت در محله شوش (با امتیاز مجموع ۳/۲۸) بیشتر از دو محله دیگر است. ضمن آنکه امتیاز مجموع محله افسریه جنوبی (۳/۰۴) کمی بیشتر از کیانشهر شمالی (۳/۰۲) است.

جدول ۴. سنجش میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات

امتیاز مجموع	میانگین امتیازات	محلات	گویه
۳/۱	۳/۳	شوش	مدیریت شهری بدون کمک شهروندان نمی‌تواند به‌خوبی شهر را اداره کند.
	۳/۰۱	کیانشهر شمالی	
	۳	افسریه جنوبی	
۳/۲۵	۳/۴۱	شوش	من به عنوان یک شهروند خودم را در قبال مدیریت شهرم مسئول می‌دانم.
	۳/۱۶	کیانشهر شمالی	
	۳/۱۹	افسریه جنوبی	
۳/۱۱	۳/۱۹	شوش	مشارکت مردم در مدیریت محلات کلید توسعه شهر است.
	۳/۰۴	کیانشهر شمالی	
	۳/۱۲	افسریه جنوبی	
۳/۲۲	۳/۳۷	شوش	انگیزه زیادی برای مشارکت در امور محله دارم.
	۳/۰۷	کیانشهر شمالی	
	۳/۲۱	افسریه جنوبی	
۳/۱۱	۳/۵۳	شوش	من بهتر از هر مدیری از مشکلات محله‌ام شناخت دارم.
	۲/۸	کیانشهر شمالی	
	۲/۹۹	افسریه جنوبی	
۳/۱۶	۳/۳۹	شوش	ساکنان محلات دارای توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فراوانی در مدیریت محلات‌اند.
	۲/۹۸	کیانشهر شمالی	
	۳/۱	افسریه جنوبی	
۲/۶۳	۲/۷۲	شوش	به نظر من، با پرداخت عوارض شهرداری می‌توان به بهبود اوضاع محله کمک کرد.
	۲/۴۹	کیانشهر شمالی	
	۲/۶۷	افسریه جنوبی	
۳/۳۴	۳/۴۵	شوش	وظیفه خود می‌دانم از امکانات و تسهیلاتی که مدیریت شهری در سطح محله قرار داده، مراقبت و نگهداری کنم.
	۳/۲۵	کیانشهر شمالی	
	۳/۳۳	افسریه جنوبی	

ادامه جدول ۴. سنجش میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات

امتیاز مجموع	میانگین امتیازات	محلات	گویه
۲/۹۳	۳/۰۵	شوش	ما اغلب زباله‌های تر و خشک‌مان را تفکیک می‌کنیم.
	۳/۰۱	کیانشهر شمالی	
	۲/۷۲	افسریه جنوبی	
۳/۲۹	۳/۴۴	شوش	به پاکیزگی و تمیزی محیط محله اهمیت می‌دهم.
	۳/۳۶	کیانشهر شمالی	
	۳/۰۸	افسریه جنوبی	
۳/۱۱	۳/۲۸	شوش	مجموع کل
	۳/۰۲	کیانشهر شمالی	
	۳/۰۴	افسریه جنوبی	

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

همچنین برای مقایسه آماری میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات در بین محلات تحت مطالعه از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون توکی استفاده شد. در این راستا همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، میزان معناداری به‌دست‌آمده $0/000$ کمتر از $0/01$ است ($sig: 0/000 < 0/01$) بنابراین، در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت بین محلات تحت مطالعه به لحاظ میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵. سنجش تفاوت آماری موجود بین میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات

معناداری	F	میانگین مربع	درجه آزادی	جمع مربعات	ANOVA
۰/۰۰۰	۱۲/۵۵۵	۱۵/۵۰۲	۲	۳۱/۰۰۳	بین گروه‌ها
		۱/۲۳۵	۳۸۱	۴۷۰/۴۱۱	درون گروه‌ها
			۳۸۳	۵۰۱/۴۱۴	مجموع

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

در ادامه، برای بررسی این مسئله که تفاوت موجود بین محلات به چه شکل است، با استفاده از آزمون توکی محلات به‌صورت دوجه‌دو مقایسه شدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تفاوت آماری بین محله شوش و کیانشهر شمالی و همچنین شوش و افسریه جنوبی مشاهده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد تفاوت محله شوش با دو محله دیگر در سطح معناداری $0/000$ است و بنابراین می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد وجود این تفاوت را بیان کرد. ضمن آنکه نتایج نشان می‌دهد بین محله کیانشهر شمالی و افسریه جنوبی به لحاظ آماری تفاوتی وجود ندارد.

جدول ۶. آزمون توکی برای مقایسه دودویی محلات از لحاظ میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات

محلّه (I)	محلّه (J)	میانگین تفاوت (I-J)	خطای استاندارد	معناداری	۹۵٪ فاصله اطمینان	
					حد پایین	حد بالا
شوش	کیانشهر شمالی	*۰/۶۸۲۷۷	۰/۱۵۳۰۷	۰/۰۰۰	۰/۳۲۲۶	۱/۰۴۲۹
	افسریه جنوبی	*۰/۵۹۰۳۴	۰/۱۳۵۸۸	۰/۰۰۰	۰/۲۷۰۶	۰/۹۱۰۱
کیانشهر	شوش	*-۰/۶۸۲۷۷	۰/۱۵۳۰۷	۰/۰۰۰	-۱/۰۴۲۹	-۳/۲۲۶
	افسریه جنوبی	/۰۹۲۴۶	۰/۱۳۸۷۱	۰/۷۸۳	-۴/۱۸۸	۰/۲۳۴۰
افسریه جنوبی	شوش	*۰/۵۹۰۳۴	۰/۱۳۵۸۸	۰/۰۰۰	۰/۹۱۰۱	۰/۲۷۰۶
	کیانشهر شمالی	۰/۰۹۲۴۳	۰/۱۳۸۷۱	۰/۷۸۳	۰/۲۳۴۰	۰/۴۱۸۸

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

ارزیابی میزان سرمایه اجتماعی

برای ارزیابی میزان سرمایه اجتماعی از چهار مؤلفه عضویت در شبکه‌های اجتماعی، اعتماد، رعایت هنجارها و انسجام اجتماعی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد همه امتیازات به دست آمده بالاتر از حد میانه ($x=3$) است که بیانگر مطلوبیت وضعیت سرمایه اجتماعی در محلات تحت مطالعه است. همچنین مقایسه سه محله تحت مطالعه نشان می‌دهد که محله شوش در هر چهار مؤلفه از وضعیت بهتری برخوردار است و بنابراین با امتیاز $3/58$ در رتبه اول از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد. پس از آن، محله افسریه جنوبی با امتیاز $3/31$ در رتبه دوم و محله کیانشهر شمالی با امتیاز $3/24$ در رتبه سوم جای می‌گیرند.

جدول ۷. سنجش میزان سرمایه اجتماعی در سطح محلات تحت مطالعه

امتیاز مجموع	میانگین امتیازات	محلات	گویه
3/68	4/1 3/45 3/49	شوش کیانشهر شمالی افسریه جنوبی	گروه‌های دوستی
3/49	3/81 3/25 3/4	شوش کیانشهر شمالی افسریه جنوبی	جلسات و هیئت‌های مذهبی
3/33	3/56 3/08 3/35	شوش کیانشهر شمالی افسریه جنوبی	صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی
3/4	3/57 3/32 3/3	شوش کیانشهر شمالی افسریه جنوبی	NGOها، اتحادیه‌ها و واحدهای صنفی
3/2	3/47 3/03 3/09	شوش کیانشهر شمالی افسریه جنوبی	سهولت یافتن ضامن در محله

ادامه جدول ۷. سنجش میزان سرمایه اجتماعی در سطح محلات تحت مطالعه

امتیاز مجموع	میانگین امتیازات	محلات	گویه
۳۲	۳/۵۵	شوش	اعتماد به وفای به عهد
	۳/۱۷	کیانشهر شمالی	
	۳/۲۴	افسریه جنوبی	
۳/۱۲	۳/۱۷	شوش	اعتماد به شورایاری‌ها
	۳	کیانشهر شمالی	
	۳/۲	افسریه جنوبی	
۳/۱۱	۳/۰۹	شوش	اعتماد به مجموعه شهرداری
	۳/۰۸	کیانشهر شمالی	
	۳/۱۵	افسریه جنوبی	
۳/۳۳	۳/۳۲	شوش	پرهیز از دروغ و غیبت
	۳/۳	کیانشهر شمالی	
	۳/۳۸	افسریه جنوبی	
۳/۷۵	۴	شوش	احترام به بزرگترها
	۳/۶۸	کیانشهر شمالی	
	۳/۵۶	افسریه جنوبی	
۳/۳۸	۳/۶۲	شوش	کمک به نیازمندان
	۳/۱۶	کیانشهر شمالی	
	۳/۳۵	افسریه جنوبی	
۳/۳	۳/۴۶	شوش	چشم‌پاکی
	۳/۰۹	کیانشهر شمالی	
	۳/۳۶	افسریه جنوبی	
۳/۳۲	۳/۵۴	شوش	کمک به یکدیگر در زمان وقوع مشکلات و گرفتاری‌ها
	۳/۰۸	کیانشهر شمالی	
	۳/۳۴	افسریه جنوبی	
۳/۴۲	۳/۷۵	شوش	شرکت در مراسم عزا و جشن‌های یکدیگر
	۳/۳۱	کیانشهر شمالی	
	۳/۲	افسریه جنوبی	
۳/۲	۳/۳۵	شوش	میزان دید و بازدید
	۳/۰۱	کیانشهر شمالی	
	۳/۲۵	افسریه جنوبی	
۳/۸	۴/۲۵	شوش	عرق و علاقه شدید به محله
	۳/۵۶	کیانشهر شمالی	
	۳/۶	افسریه جنوبی	
۳/۳۸	۳/۵۸	شوش	مجموع
	۳/۲۴	کیانشهر شمالی	
	۳/۳۱	افسریه جنوبی	

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

همچنین همانند قسمت قبل، برای مقایسه آماری میزان سرمایه اجتماعی در بین محلات در سه محله تحت مطالعه از آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شد که با توجه به اینکه سطح معناداری (sig=0/000) کمتر از ۰/۰۱ است، وجود تفاوت معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود.

جدول ۸. آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه آماری میزان سرمایه اجتماعی در بین محلات

ANOVA	جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربع	F	معناداری
بین گروه‌ها	۷۷/۶۳۱	۲	۳۸/۸۱۶	۳۱/۹۶۸	۰/۰۰۰
درون گروه‌ها	۴۶۲/۶۰۹	۳۸۲	۱/۲۱۴		
مجموع	۵۴۰/۲۴۰	۳۸۴			

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

در ادامه، برای مقایسه دودویی میزان سرمایه اجتماعی در بین محلات از آزمون توکی استفاده شد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد، با توجه اینکه ضریب معناداری به‌دست‌آمده در بین محلات در محله شوش با دو محله کیانشهر شمالی و افسریه جنوبی کمتر از (sig: 0/000<0/01) است، می‌توان نتیجه گرفت که بین محله شوش و محله کیانشهر شمالی و همچنین شوش و محله افسریه جنوبی از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی، تفاوت آماری معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد مشاهده می‌گردد. اما تفاوت موجود بین دو محله کیانشهر شمالی و افسریه جنوبی با توجه به آنکه ضریب معناداری به‌دست‌آمده بیشتر از sig: 0/05 است، از لحاظ آماری معناداری نیست.

جدول ۹. آزمون توکی برای مقایسه دودویی محلات از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی در بین محلات

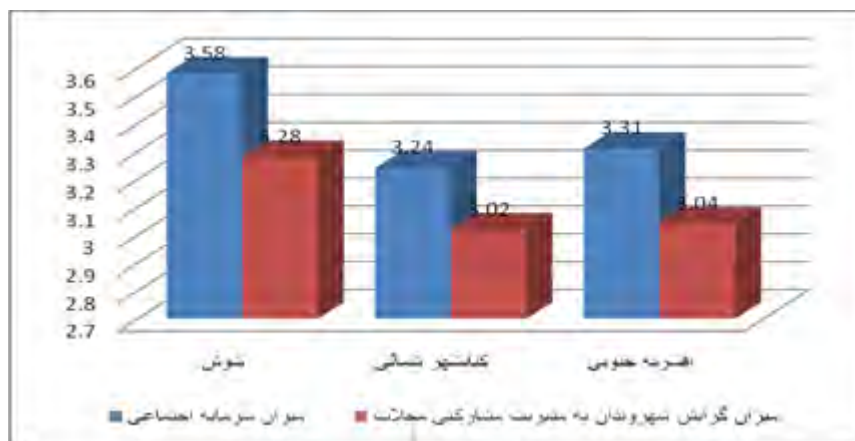
محله (I)	محله (J)	میانگین تفاوت (I-J)	خطای استاندارد	معناداری	۹۵٪ فاصله اطمینان	
					حد پایین	حد بالا
شوش	کیانشهر شمالی	*۱/۱۴۱۹۳	۰/۱۵۱۸۰	۰/۰۰۰	۰/۷۸۴۸	۱/۴۹۹۱
	افسریه جنوبی	*۰/۸۵۸۳۵	۰/۱۳۴۷۵	۰/۰۰۰	۰/۵۴۱۳	۱/۱۷۵۴
کیانشهر شمالی	شوش	*-۱/۱۴۱۹۳	۰/۱۵۱۸۰	۰/۰۰۰	-۱/۴۹۹۱	-۰/۷۸۴۸
	افسریه جنوبی	-۰/۳۸۳۵۸	۰/۱۳۷۵۶	۰/۱۹۹	-۰/۶۰۷۲	۰/۰۴۰۱
افسریه جنوبی	شوش	*-۰/۸۵۸۳۵	۰/۱۳۴۷۵	۰/۰۰۰	-۱/۱۷۵۴	-۰/۵۴۱۳
	کیانشهر شمالی	۰/۳۸۳۵۸	۰/۱۳۷۵۶	۰/۱۹۹	-۰/۶۰۷۲	۰/۰۴۰۱

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی بر گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات

برای تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی و گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی ابتدا امتیازات به‌دست‌آمده برای هر یک از محلات در دو مقوله تحت مطالعه بر روی نمودار به نمایش گذاشته می‌شود و تحلیلی در سطح توصیفی صورت می‌پذیرد. سپس با استفاده از آزمون آماری رگرسیون چندگانه توأم، رابطه سرمایه اجتماعی بر گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات تحلیل می‌شود. همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌گردد، در محله شوش که میزان سرمایه اجتماعی از دو محله دیگر بیشتر است، میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محله نیز بیشتر است. همچنین در محله

افسریه جنوبی که میزان سرمایه اجتماعی آن از محله کیانشهر شمالی بیشتر است، میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محله نیز بیشتر است. بنابراین می‌توان تحلیل کرد که افزایش در سرمایه اجتماعی موجب افزایش در گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات شده است.



نمودار ۱. میزان سرمایه اجتماعی و گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات

در این راستا، برای تبیین بیشتر این رابطه از نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه توأم استفاده شد. برای استفاده از این آزمون گویه‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌های چهارگانه سازنده سرمایه اجتماعی با هم ترکیب و بدین ترتیب مقیاس داده‌ها از کیفی (رتبه‌ای) به کمی (فاصله‌ای) تبدیل شد و در نهایت، امکان استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه توأم فراهم آمد. بر این مبنای ابتدا تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان گرایش شهروندان بر مدیریت مشارکتی در مجموع هر سه محله تحت مطالعه به عنوان یک کلیت واحد سنجیده شد و سپس به‌طور مجزا در هر محله نیز بررسی شد. نتایج حاصل از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه توأم در کل محلات نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان گرایش شهروندان بر مدیریت مشارکتی در محلات رابطه معنادار آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد و ضریب همبستگی ۰/۷۴ وجود دارد. همچنین ضریب تعیین یا همان R Square و ضریب تعیین تعدیل‌شده (Adjusted R Square) به ترتیب ۰/۶۵۳ و ۰/۶۰۹ است که در واقع نشان می‌دهد ۰/۶۰۹ از میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محله توسط مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تحت مطالعه، تبیین می‌شود.

جدول ۱۰. نتایج آزمون رگرسیون چندگانه توأم برای سنجش تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات

معناداری	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده
کل	۰/۷۴	۰/۶۵۳	۰/۶۰۹
شوش	۰/۸۲۱	۰/۷۴۵	۰/۷۱۱۲
کیانشهر شمالی	۰/۵۱۳	۰/۳۲۸	۰/۲۹۲
افسریه جنوبی	۰/۶۰۲	۰/۴۹۸	۰/۴۵۶

همان طور که در جدول ۱۱ مشاهده می‌گردد، ضریب معناداری رابطه بین اجتماعی و گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی در هر سه محله تحت مطالعه ۰/۰۰۰ است که گویای وجود رابطه معنادار آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. همچنین ضریب همبستگی که با حرف R نشان داده شده است، برای محله شوش ۰/۸۲۱ به دست آمده که گویای همبستگی بسیار بالایی میزان سرمایه اجتماعی و گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی در این محله است. همچنین ضریب مذکور برای محله کیانشهر شمالی ۰/۵۱۳ و محله افسریه جنوبی ۰/۶۰۲ به دست آمده است. ضمن آنکه ضریب تعیین تعدیل شده در محله شوش به ترتیب ۰/۷۴۵ و ۰/۷۱۲ است. همچنین ضرایب فوق برای محله کیانشهر شمالی به ترتیب ۰/۳۲۸ و ۰/۲۹۲ و برای محله افسریه جنوبی به ترتیب ۰/۴۹۸ و ۰/۴۵۶ است. همچنین با توجه به سطح معناداری به دست آمده برای مؤلفه‌های شکل دهنده سرمایه اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت که بین هر چهار مؤلفه تحت مطالعه و گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات رابطه معنادار آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد.

جدول ۱۱. ارزیابی تأثیر هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات

sig	t	ضریب استاندارد شده		مؤلفه
		Beta	خطای ارزیابی	
۰۰۰/۰	۴/۳۱۲	۰/۳۲۴	۰/۰۸۴	شبکه‌های اجتماعی
۰/۰۰۰	۸۲۳/۳	۰/۲۸۶	۰/۰۶۵	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۵۶/۳	۲۵۵/۰	۰/۷۵/۰	هنجارهای اجتماعی
۰/۰۰۰	۶۸/۳	۲/۲۷۲	۰/۰۶۹	انسجام اجتماعی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

ضریب استاندارد شده Beta و آماره t بیانگر اهمیت تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها بر گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات است. بر این اساس مشخص می‌شود که بیشترین تأثیر در بین مؤلفه‌های تحت مطالعه مربوط به عضویت در شبکه‌های اجتماعی است و پس از آن، به ترتیب مؤلفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و رعایت هنجارهای اجتماعی در رتبه‌های بعد قرار می‌گیرند.

تحلیل یافته‌های این بخش گویای آن است در صورتی که افراد در قالب شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی تشکل یافته و ماهیت و خودآگاهی جمعی بیابند، بهتر می‌توانند با تشریک مساعی در مدیریت محلات نقش ایفا کنند. شبکه‌های اجتماعی ضمن تعریف و تبیین اهداف، نیازها و ضرورت‌های جمعی، این امکان را فراهم می‌آورند که با همفکری و همیاری و مشارکت فکری، مالی، فیزیکی و... مسائل و مشکلات محلات را شناسایی کنند و راهکارهای منطقی و عقلایی و پایدار ارائه دهند. از طرف دیگر، اعتماد لازمه شکل‌گیری پیوندها و تعاملات اجتماعی و میل به مشارکت جمعی است. اعتماد اجتماعی ایجادکننده تعاون و همیاری است و فقط در این حالت است که افراد، گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در عین وجود تفاوت‌ها و حتی اهداف و آرمان قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی و مدیریت امور می‌شوند. در این زمینه ایجاد اعتماد بین شهروندان و مدیران شهری بسیار مهم است. در ادامه، ذکر این

نکته بسیار حائز اهمیت است که تأکید بر شبکه‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی گویای بی‌اهمیت بودن دیگر مؤلفه‌ها مانند انسجام اجتماعی و هنجارهای اجتماعی نیست، بلکه این مؤلفه‌ها نیز از اهمیت زیادی برخوردارند و در واقع این مؤلفه‌ها لازم و ملزوم یکدیگر و مکمل هم‌اند و سرمایه اجتماعی به معنای واقعی وقتی شکل پیدا می‌کند و می‌تواند به عنوان دست‌مایه و خمیرمایه توسعه و مدیریت محلات به‌شمار آید و تأثیرگذار باشد که همه مؤلفه‌های سازنده آن تقویت گردند و به کار گرفته شوند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

طی دهه‌های اخیر، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دخیل در امر مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در سطح جهان بر ترویج نگرش مشارکتی برای تشویق نوعی رهیافت مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا و توانمندسازی محلات به منظور اقدامات توسعه‌ای تأکید داشته‌اند و تصمیم‌گیری و چاره‌اندیشی درباره حل مسائل شهری مبتنی بر مشارکت اجتماعات محله‌ای، با هدف تأمین شرایط لازم برای رفاه شهروندان را مدنظر داشته‌اند. برنامه‌ریزی محله‌مبنا مبتنی بر نقش مشارکتی مردم و اجتماعات محلی است و مشخصه‌هایی چون مشارکتی بودن، رویکرد فرایندی به برنامه‌ریزی، افزایش کنترل مردم بر معیشت و زندگی روزمره و ارائه طرح‌ها و برنامه‌هایی با ارتباط و وابستگی بیشتر به نیازها و شرایط محلی اجتماعات را به همراه دارد. بر این اساس، یکی از عواملی که می‌تواند در مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت محلات شهری نقش داشته باشد، سرمایه اجتماعی است. مؤلفه‌ای که کمتر بدان توجه شده است. اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی برای توسعه محله‌ای تا جایی است که صاحب‌نظران، توسعه محله‌ای را بدون سرمایه اجتماعی غیرممکن می‌دانند.

در این راستا، نتایج تحقیق حاضر در محلات تحت مطالعه حاکی از گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات است؛ هر چند بین میزان این تمایل در این محله‌ها از لحاظ آماری تفاوت وجود دارد. علاوه بر این، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که سطح سرمایه اجتماعی در محلات ذکر شده از مطلوبیت نسبی برخوردار است؛ هر چند در این زمینه نیز تفاوت معناداری از لحاظ آماری بین محلات وجود دارد. همچنین نتیجه آزمون رگرسیون چندگانه توأم نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان تمایل شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات رابطه معنادار آماری وجود دارد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر میزان تمایل شهروندان در مدیریت مشارکتی محلات مؤثر است. بر این اساس، پژوهش حاضر نتیجه‌گیری می‌کند که هر چه میزان سرمایه اجتماعی در محلات شهری بیشتر گردد، میزان گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات نیز بیشتر می‌شود. در این بین نکته شایان توجه آن است که میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های سازنده سرمایه اجتماعی بر گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات یکسان نیست و تأثیرگذاری مؤلفه عضویت در شبکه‌های اجتماعی بیشتر از دیگر مؤلفه‌ها است. در نهایت، تحقیق حاضر در جهت ارتقای سرمایه اجتماعی و همچنین افزایش گرایش شهروندان به مدیریت مشارکتی محلات این پیشنهادها را ارائه می‌کند:

۱. آموزش و ترویج نحوه مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت محلات از پایین‌ترین سطوح یادگیری مانند خانواده و

مهدکوک و دبستان؛

۲. شفافیت اقدامات مدیریت شهری و اطلاع‌رسانی به شهروندان در جهت تشریح مساعی آنها در مدیریت محلات؛
۳. حمایت و تقویت شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی به عنوان جایگاه شکل‌گیری و انباشت سرمایه اجتماعی؛
۴. تلاش در جهت ارتقای اعتماد نهادی بین مردم و مسئولین شهری با اقداماتی نظیر پیگیری و پاسخ‌گویی به مطالبات مردم، تکریم شهروندان، ارائه صادقانه گزارش عملکرد به شهروندان به صورت منظم؛
۵. دخالت دادن مردم در تعریف و تحلیل مسائل و مشکلات و تصمیم‌گیری برای حل آنها با استفاده از رویکردهای ارزیابی مشارکتی؛
۶. بسط فضاهای عمومی در سطح محلات به عنوان بستر تعاملات اجتماعی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و تحقق مشارکت مدنی.



منابع

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا؛ (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی.
- استعلاجی، علیرضا؛ (۱۳۹۱). بررسی الگوی مدیریت روستایی در ایران با تأکید بر مدیریت محلی و مشارکتی دهیاری‌ها، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال دهم، شماره ۳۲.
- پورتس، آلهاندرو؛ (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، نشر شیرازه.
- تقوایی، مسعود؛ بابا نسب، رسول؛ موسوی، چمران؛ (۱۳۸۸). تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم.
- حاجی پور، خلیل؛ (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی محله‌مبنا، رویکردی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- خراسانی، محمد؛ نوغانی، محسن؛ خلیفه، محمدرضا؛ (۱۳۹۱). بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۸، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست‌وسوم، شماره پیاپی ۴۵.
- ربانی، رسول؛ آرانچولام، دارما؛ عباس‌زاده، محمد؛ قاسمی، وحید؛ (۱۳۸۶). بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت شهروندان در امور شهری، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم.
- رضازاده، راضیه؛ سلسله، علی؛ (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی توسعه محله‌مبنا، فصلنامه مدیری شهری، شماره ۳۲.
- زیاری، کرامت‌الله؛ زندوی، سید مجدالدین؛ آقاجانی، محمد؛ مقدم، محمد؛ (۱۳۸۸). بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری در شهرهای کوچک، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، شماره سیزدهم.
- عباس‌زاده، محمد؛ (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- شریف‌زاده، فتاح؛ صدقی، جواد؛ (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، دو فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات مدیریت، سال ۱۹، شماره ۵۹.
- شهرداری منطقه ۱۵ تهران، (۱۳۹۳).
- فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، نشر شیرازه.
- محسنی، رضاعلی؛ (۱۳۸۳). جنبه‌های اجتماعی مدیریت کلان‌شهرها با تأکید بر مشارکت شهروندان، فصلنامه مدیریت فردا.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ (۱۳۷۵). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، نامه پژوهش، سال اول، شماره ۱.
- موسایی، میثم؛ بهزاد رضوی الهام، (۱۳۸۹). بررسی مشارکت شهروندان در امور شهری، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- موسوی، میرطاهر؛ (۱۳۸۴). تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز)، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- نجاتی حسینی، سیدمحمود؛ (۱۳۸۰). بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ اول.
- نوروزی، فیض‌الله و بختیاری، مهناز؛ (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳.
- یزدان‌پناه، لیلیا؛ (۱۳۸۶). موانع مشارکت شهروندان تهرانی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.

- Arnersterins (2006), ladder of citizen participation, journal of planning association.
- Blanco H., Cambell T. (2006). social capital of cities: emerging networks of horizontal assistance. available at: www.elsevier.com.
- Brunie A. (2009). Meaningful distinctions within a concept: relational, collective and generalized social capital , Social science research, No. 38,pp: 251-256.
- Chaima, G. (2003). Social capital, Reviewing the concept and Its policy Implications, Melbourne: productivity commission.
- Durlauf, S & Fafchamps, M(2004). Social Capital. The Centre for The study of Africa Economies.
- Ekstrom, Henrik; Dahlin Ivanoff ; and Elmstahl, Solve(2007): Restriction in social participation and lower life satisfaction among fractured in pain Results from the population study **Ageing in Skane** , Since Direct(Archives of Gerontology and Geriatrics, pp.1- 16.
- Franke S. (2005). Measurement of social capital. reference document for public policy. research, development and evaluation. policy research initiative. Canada.
- Friedman, J,(1993),Toward anon euclidion mode of planning. APA journal, Autumn,43-44.
- Fukuyama, Francis. (1999). Social Capital and Civil Sociology, Available at www.ukzn.ac.za/undpil/collier/chomsky.
- Furstenberg, G. (1998), Social Capital and the Role of Fathers in the Family, Chapter 15 in A. Booth & A. Creuter (eds), Men In Families: When Do They Get Involved? What Difference Does It Make?, Lawrence Erlbaum, New Jersey.
- Howard, Patricia B., Kay Rayens , Mary., El-Mallakh, Peggy., and Clark, James J(2007):Predictors of Satisfaction Among Adult Recipients of Medicaid Mental Health Services_ Since Direct(Archives of Gerontology and Geriatrics, pp.257-269.
- Lee, Eunjung(2006): A social resource model of political participation:Mass media use,social and capital.
- Manning, P. (2010). 'Putnam and radical socio-economic theory". International Journal of Social Economics, Vol. 37, No. 3. pp. 254-269.
- Madanipour, A(2003); «How relevant is planning by neighbourhoods today?» , in Town Planning Review,72.
- Marshal, Melissaj (2004): Citizen Participation and the neighborhood Context: A New at the Co production of Local Public Goods, Political Research Quarterly, Vol.57, No.2, PP.231-244.
- Peris J.,Cebillo-Baque M.A.,Calabuig C.(2011), Scrutinizing the link between participatory governance and urban environmental management, the experience in Arequipa during 2003-2006, Habitat international, No.35, pp: 84-92.
- Rasoolimaneh, M. Nurwati, B and Mastura, J.,2011.City Development Strategis(CDS) and Sustainable Urbanization in Developing World, ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies, Savoy Homann Bidakara.,Bandung Hotel, Bandung, Indonesia.
- Sabatini, f. (2008), Social Capital and the Labour Market, MPRA Paper No 6582.
- Smith,Ronald S(2006): Discerning differences in social capital: The significance of

interpersonal networks and neighborhood association structure of citizen participation(Dissertation), Indiana university.

Ulriksen, C. (2008)." The Significance of Social Capital as a Concept for Understanding and Analyzing Community-Based Organizations: Lessons for Chile", A thesis submitted In partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts In Urban and Environmental Policy and Planning, Tutfs University.

UNVHS (Habitat), (1996) The role of community participator in Human settlements work, Nairobi.

UN Habitat, 2009, http://www.unhabitat.org/downloads/docs/GRHS2009_Abridged.p.f.

Winter, Lan. (2000), Towards a Theorised Understanding of Family Life and Social Capital, Working Paper No.21, April 2000 Australian Institute of Family Studies .

World Bank. (2009), What is Social Capital? Available at:<http://go.worldbank.org/K4LUMW43B0>.

